

بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارترو آثار آن در ایران



ضمیمه مطالعات تاریخی

انسانی و مطالعات فرهنگی

مع علوم انسانی



بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارتر و آثار آن در ایران

● فریبا اسدی

۱۱۳

اشاره

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، آمریکا مهم‌ترین متحد ایران شد. این اتحاد، باعث وابستگی روزافزون ایران به آمریکا و آغاز سلطه‌گری آن کشور در ایران گردید. به قدرت رسیدن جیمی کارتر در آمریکا، به شکل بسیار واضحی با شعار انتخاباتی او، یعنی «سیاست حقوق بشر»، پیوند تنگاتنگی دارد. با مطرح شدن این سیاست از سوی او، فصل تازه‌ای در روابط آمریکا و ایران دوران پهلوی گشوده شد. قبل از روی کار آمدن کارتر، اتهاماتی در زمینه‌های مختلف از جمله فساد داخل دولت، اختناق و سرکوب ساواک و عدم احترام به مذهب اکثریت مردم در ایران، به رژیم شاه وارد بود و تقاضا برای ایجاد فضای باز سیاسی و احترام به قانون اساسی از سوی مردم وجود داشت. از آنجایی که دوران ریاست جمهوری کارتر، مقارن با آزاد شدن نیروی مخالفان در ایران و پایان رژیم پهلوی است، عده‌ای بر این عقیده هستند که به دلیل روابط تنگاتنگ دو کشور سیاست حقوق بشر کارتر تأثیر مستقیمی بر سقوط رژیم پهلوی داشته است. این که سیاست موردنظر چگونه و در چه فضایی مطرح شد و چه بازخوردی در ایران داشت، سئوالی است که سعی می‌شود در این نوشتار به آن پاسخ داده شود. در قسمت اول، درباره فضای سیاسی قبل از انتخابات در آمریکا و سیاست خارجی کارتر توضیحاتی ارائه می‌شود. در قسمت دوم، نگاهی به سیاست خارجی کارتر در قبال ایران و واکنش شاه به انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا داریم و در قسمت آخر، رویکردی که کارتر، شاه و انقلابیون به حقوق بشر داشتند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

فضای سیاسی قبل از انتخابات سال ۱۹۷۶ در آمریکا

انتخابات ریاست جمهوری در بسیاری از کشورها متأثر از وضع سیاسی جهان است. بالطبع، انتخابات سال ۱۳۵۵ش/۱۹۷۶م در آمریکا نیز از حوادث مهم خارجی و داخلی زمان خود تأثیر پذیرفت.^۱ در زیر به بررسی این وقایع می‌پردازیم.

الف) شکست آمریکا در ویتنام

آمریکا بعد از شکست در ویتنام، وجهه بین‌المللی خود را تا حدی از دست داده بود.^۲ نتیجه جنگ، معرفی آمریکا در دنیا به عنوان یک قدرت متجاوز و جنگ طلب بود. بنابراین، لازم بود بازگشتی به سیاست‌های بشردوستی و طرفداری از دموکراسی صورت بگیرد.^۳

ب) کنفرانس هلسینکی

در این کنفرانس که در سال ۱۳۵۴ با شرکت ۳۵ دولت برگزار شد، تصمیمات مهمی درباره اجرای مقررات حقوق بشر در جهان اتخاذ گردید؛ با جو مساعدی که در زمینه توجه به حقوق انسانی و نوع‌دوستی پیش آمد، سیاست حقوق بشر پاسخی به افکار عمومی جهانی بود.^۴

۱۱۴

ج) رسوائی واترگیت^۵

در پایان اولین دوره ریاست جمهوری نیکسون، فاش شد او در جریان مبارزات انتخاباتی، فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی حزب رقیب را به طور غیرقانونی رصد می‌کرده است. این حادثه رسوائی واترگیت نام گرفت و موجب استعفای نیکسون شد.^۶ یکی از پیامدهای آن، از بین رفتن اعتماد مردم به نهاد ریاست جمهوری بود.^۸ از آنجا که نیکسون یک جمهوری خواه بود، این ماجرا به حزب ضربه زد و راه را برای روی کار آمدن فردی از حزب دمکرات هموار نمود.^۹

سیاست خارجی کارتر

کارتر مدعی بود می‌خواهد اخلاقیات را وارد صحنه بین‌المللی سازد و آن را ناشی از باورهای مذهبی خود می‌داند.^{۱۰} او در این زمینه بر ارزش‌های بنیادین آمریکایی تکیه کرد و برخی روش‌های سابق در سیاست خارجی را تا حدی دگرگون ساخت.^{۱۱} می‌توان گفت در سیاست خارجی مدعی حمایت از گسترش صلح و ثبات بود و تشدید جنگ سرد با کمونیسم، همانند دمکرات‌های قبل از خود جان اف. کندی و لیندون. بی. جانسون، علاقه نداشت.^{۱۲} کارتر دکترینی ارائه داد که به «سیاست حقوق بشر» معروف گردید. این سیاست، دارای دو بُعد سیاسی و نظامی بود:

بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارتر و آثار آن در ایران

بعد سیاسی آن، نمایش احترام و رعایت حقوق انسان‌ها و عدم حمایت آشکار از حکومت‌هایی بود که علناً حقوق بشر را نقض می‌کردند؛ و بعد نظامی آن، تظاهر به محدودیت فروش اسلحه به کشورهای بی‌توجهی بود که از لحاظ رعایت حقوق بشر خوشنام نبودند. در نزد کارتر این دو هدف لازم و ملزوم یکدیگر بود. برای اثبات توجه به حقوق بشر باید سیاست‌های فروش اسلحه را تغییر می‌داد.

توجه به حقوق بشر

همان‌طور که گفته شد، کارتر در مسائل مربوط به سیاست خارجی خود را پایبند به اخلاقیات نوینی نشان می‌داد. «او اعلام کرد که هر سیاستی که دیکتاتوری را تقویت کند و یا موجب افزایش پناهندگان شود، هر سیاستی که نارضایتی مردم را برانگیزد و به عدالت اجتماعی لطمه زند، موجب تضعیف اقتدار ایالات متحده خواهد شد.»^{۱۳} کارتر بقدری به این مسئله اهمیت می‌داد که در سال ۱۹۷۷م ۱۳۵۶ش گفت: «حقوق بشر، روح سیاست خارجی ماست.»^{۱۴} به نظر می‌رسید این جمله قرار بود ضامن اجرایی حقوق بشر باشد. درباره ارتباط حقوق بشر در روابط آمریکا با کشورهای دیگر، کارتر در مراسم تحلیف خود در ۲۰ ژانویه ۱۹۷۶ گفت: «اخلاقیات ایجاب می‌کند که برای جوامعی ارجحیت قائل شویم که در رعایت حقوق بشر با ما سهیم هستند.»^{۱۵} اما به نظر می‌رسد دخالت آمریکا در کشورهایی که با بحران دموکراسی و حقوق بشر روبرو بودند، با انگیزه سیاسی بهره‌جویانه همراه بوده است.^{۱۶} توجه او به مسئله حقوق بشر، بیشتر توجه سیاسی داشت. «دولت کارتر استدلال می‌کرد که هم‌پیمانان آمریکا در جوامع جهان سوم در واقع با ترویج حقوق بشر خود را از نظر سیاسی قوی می‌کنند.»^{۱۷}

محدودیت فروش اسلحه

یک بخش مهم از تأکید بر حقوق بشر، تبلیغات وسیع برای محدودسازی معاملات تسلیحاتی آمریکا بود.^{۱۸} کارتر، برای این که خود را در اجرای آن مصمم نشان دهد، برنامه محدودیت فروش اسلحه را اعلام نمود. او در نطق افتتاحیه‌اش گفت «هدف نهایی‌اش برداشتن سلاح‌های هسته‌ای از روی کره زمین است.» وی می‌خواست نشان دهد که به سرعت به محدود کردن فروش سلاح می‌پردازد و حتی اگر هم نتواند تکیه آمریکا بر تجارت اسلحه را از بین ببرد، حداقل از آن می‌کاهد، و «نمی‌خواست آمریکا تاجر سلاح جهان باقی بماند.»^{۱۹}

در سیاست‌های اعلام شده تبلیغاتی قرار بود کشورهایی که حقوق بشر را نقض می‌کردند از مزایای روابط نظامی و دیپلماتیک آمریکا محروم شوند.^{۲۰}

سیاست خارجی کارتر در قبال ایران

سیاست خارجی کارتر برای ارتباط با ایران اتخاذ کرد، منهای ابعاد تبلیغاتی مسئله حقوق بشر و محدود شدن فروش اسلحه، تغییر چندانی نکرد. ونس در این باره می‌گوید: «اصول سیاست حکومت کارتر در رابطه با ایران مبتنی بر سیاست کلی آمریکا در ایران طی سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی بود.»^{۲۱} «اما در روابط فیما بین، در دو مورد حقوق بشر و فروش اسلحه به ایران ما نظریات متفاوتی نسبت به حکومت‌های گذشته داشتیم.»^{۲۲} برنامه آمریکا در این مقطع این بود که «به سود اصلاحات در ایران تلاش‌هایی به خرج دهند و سعی کنند رعایت حقوق بشر را با ادامه مناسبات سودمند با تهران تلفیق کنند...»^{۲۳} می‌توان گفت سیاست خارجی کارتر در برابر ایران، از تلفیق سیاست خارجی جدید او و سیاستی که سالها از سوی آمریکا در برابر ایران اعمال می‌شد، ساخته شد. اینها تعهدات متناقضی بودند که کارتر در برابر ایران بر عهده گرفت.^{۲۴} به زودی منافعی که آمریکا در ایران جستجو می‌کرد، مهم‌تر از سیاست حقوق بشر تلقی شد.

ونس، چهار دلیل برای ادامه سیاست سابق آمریکا در قبال ایران ذکر می‌کند:

۱. با در نظر گرفتن خلیج فارس به عنوان منبع نفت، ایران عامل مهمی در ثبات منطقه است.
۲. ایران به وسیله قدرت نظامی که در اختیار دارد باعث تأمین امنیت کشتی‌های حامل نفت در خلیج فارس می‌شود.

۳. با قدرتی که ایران دارد، می‌تواند مانع خوبی در برابر «مقاصد توسعه طلبانه شوروی» باشد.

۴. نفوذ ایران در سازمان اوپک تأثیر مستقیمی بر اقتصاد آمریکا دارد.^{۲۵}

اینها تقریباً همان سیاستی بود که کارتر قبل از ورود سولیوان به ایران برای او تشریح کرد.^{۲۶} کارتر و تیمی که با او کار می‌کردند به اهمیت ایران برای آمریکا واقف بودند. با این حال در ابتدای کار مایل نبودند از اهداف سیاست خارجی اعلام شده خود آشکارا صرف نظر کنند. قرار شد رابطه استراتژیک آمریکا با ایران حفظ شود و در عین حال، آن دو هدف هم در جای خود در ایران پیگیری شود.^{۲۷} با توجه به ژست نگرانی کنگره راجع به وضعیت حقوق بشر در ایران، در صورت ادامه این روال، کنگره و افکار عمومی در آمریکا مشکلاتی در روابط استراتژیک با ایران ایجاد می‌کردند. در آمریکا، کارتر و مشاورانش از عکس‌العمل شاه آگاه بودند. با وجود این، عدم رعایت اصول حقوق بشر در ایران راه مانعی در روابط دو کشور قلمداد نمی‌کردند.^{۲۸} ونس می‌گوید: «ما نمی‌خواستیم از این موضوع به عنوان یک حربه سیاسی استفاده کنیم.»^{۲۹} «نیکسون، فورد و کیسینجر معتقد بودند اعمال فشار به شاه به خاطر اصلاحات داخلی، به طور خطرناکی به استراتژی عمده آمریکا لطمه می‌زند.»^{۳۰} کیسینجر در این باره معتقد بود: «هنگامی که سیاست بیش از حد اخلاقی شود ممکن است جنبه رویایی و خطرناکی به خود بگیرد...»^{۳۱} در مقابل، کارتر اعتقاد داشت سیاست

بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارتر و آثار آن در ایران

وی مانع بروز انقلاب در کشورهای وابسته به آمریکا است.^{۳۳} کارتر، از وجود شکنجه و آزار و اذیت مخالفین سیاسی به دست ساواک و به طور کلی اوضاع داخلی ایران مطلع بود.^{۳۳} او در مرحله آخر تبلیغات انتخابات اعلام کرد آمریکا باید برای حفظ آزادیهای سیاسی و اجتماعی مردم ایران تلاش کند.^{۳۴} این برخوردها از چشم تیزبین گروهی از مخالفان شاه دور نمی ماند. آنها به این اختارها توجه داشتند مهدی بازرگان در جایی گفته بود، اعلام سیاست حقوق بشر کارتر برای وی و همفکرانش قوت قلب و مایه دلگرمی بوده است.^{۳۵} با این که مخالفان از این فرصت بهره برداری کردند اما اکثراً به صداقت آمریکا و کارتر اعتقاد نداشتند و حتی یکی از دلایلی که منجر به انقلاب شد مخالفت آنها با وابستگی شاه به آمریکا بود.^{۳۶} هدف کارتر، هر چه که بود، برخی مخالفان را امیدوار ساخت که او اجازه نخواهد داد در ایران اعمالی مخالف و در تضاد با حقوق بشر صورت بگیرد.^{۳۷} کارتر گمان می برد عدم رضایت در ایران، در اصل، منشأ اقتصادی دارد و با بالا رفتن سطح زندگی، گروه های مخالف در پی مشارکت در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورشان هستند.^{۳۸}

واکنش شاه به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

شاه قبل از این که از برنامه انتخاباتی کارتر آگاه شود، نسبت به روی کار آمدن او حساس بود. سابقه روابط ایران و آمریکا در حکومت شاه و شناختی که او نسبت به دو حزب دمکرات و جمهوری خواه در کشور آمریکا داشت، باعث می شد او جمهوری خواهان را به دمکرات ها ترجیح بدهد.^{۳۹} او سابقاً با جان اف. کندی دمکرات دچار مشکل شده بود و می ترسید کارتر هم مثل کندی از او تقاضای اصلاحات بکند.^{۴۰} شاه، آشکارا از این که جرالد فورد در انتخابات بر کارتر پیروز شود، اظهار خوشحالی کرده بود.^{۴۱} اکثر کسانی که در آن روزها در ایران بر مسند کار بودند، از نگرانی شاه نسبت به انتخابات آمریکا اطلاع داشتند. از جمله هوشنگ انصاری (وزیر وقت امور اقتصادی و دارایی) طی ملاقاتی در اواسط مرداد ۱۳۵۵ به پرویز راجی، سفیر شاه در لندن، گفت: «علیحضرت نگران است مبدا جیمی کارتر افکاری مشابه نظرات کندی در سر پروراند و ترجیح می دهد فورد دوباره رئیس جمهور آمریکا شود.»^{۴۲} شاه سعی خود را به کار گرفت تا جرالد فورد، رئیس جمهوری که بر سر کار بود، پیروز شود.^{۴۳} او حتی برای این که جرالد فورد در حین انتخابات به در دسر نیفتد، از افزایش قیمت نفت جلوگیری کرد.^{۴۴} در راستای کمک به ریاست جمهوری فورد، اردشیر زاهدی از سوی شاه وظیفه داشت با تزریق پول به ستاد تبلیغات فورد، شرایط روی کار آمدن او را فراهم نماید.^{۴۵} بعد از انتخابات، در محافل سیاسی آمریکا شایع شد که این مبلغ حدود صد و بیست میلیون دلار بوده است.^{۴۶} زاهدی، بعدها تلویحاً

بر این امر صحنه گذارد.^{۴۷} در این مدت شاه مرتباً در حال یادآوری اهمیت ایران برای آمریکا بود و چند روز قبل از انتخابات در آمریکا، در سوم آبان، در این باره گفت: «در عین حال که انتخابات آمریکا تأثیری بر مناسبات دو کشور نمی‌گذارد، با این حال، هیچ قدرتی نیست که بتواند چیزی را به ایران تحمیل کند».^{۴۸}

بعد از انتخابات، شاه که از روی کار آمدن کارتر ناراحت شده بود،^{۴۹} سعی کرد خلاف آن را نشان دهد. وقتی در مصاحبه با یک مجله آمریکایی به تاریخ ۲۳ دی ۱۳۵۵ از او پرسیدند: «آیا شاهنشاه تصور می‌کنند که با حکومت کارتر کنار بیایند؟»^{۵۰} شاه جواب داد: «ما در گذشته یعنی از زمان پرزیدنت هری ترومن، با دیگر حکومت‌های دمکرات کنار آمده‌ایم و مخصوصاً با لیندون جانسون مناسبات نزدیکی داشتیم... ما در کنگره آمریکا دوستان بسیاری داریم و از آنچه که به ما می‌گویند چنین برمی‌آید که ما می‌توانیم در حقیقت با حکومت کارتر همکاری داشته باشیم».^{۵۱} این عکس‌العمل، از ضعف شاه و وابستگی‌اش به آمریکا ناشی می‌شد. وی سعی کرد با شرایط کنار بیاید.

رویکرد کارتر، شاه و انقلابیون به حقوق بشر

از اواخر سال ۱۳۵۴، اولین اعتراض‌ها به نقض حقوق بشر، شکنجه زندانیان و نقض حقوق مدنی در ایران از سوی سازمان عفو بین‌الملل، کمیسیون بین‌المللی قضاوت، و کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر وابسته به سازمان دفاع از حقوق بشر ابراز شد.^{۵۲} در همین اوان، در نامه سرگشاده علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی، در ۲۷ بهمن ۱۳۵۴، دولت به فساد و ایجاد خفقان در جامعه متهم شد.^{۵۳} کم‌کم، نشریات معتبر خارجی به انتقاد از شکنجه‌های ساواک و عملکرد سرکوبگرانه پلیس گشودند.^{۵۴} در همین زمان در کنگره آمریکا نسبت به فروش اسلحه پیشرفته به ایران تردیدهایی بروز یافت.^{۵۵} ویلیام سولیوان، آخرین سفیر آمریکا در ایران، تأیید می‌کند که حکومت ایران در آن زمان از شهرت خوبی برخوردار نبود.^{۵۶} شاه سعی کرد نسبت به فشارهای خارجی، که از سال ۱۳۵۴ نسبت به حکومتش آغاز شد، از خود کمی انعطاف نشان دهد. چون نمی‌خواست منافعی که در ارتباط با آمریکا و غرب داشت به خطر بیفتد و تصویری که با خرج مبالغ زیادی صرف مصلح نشان دادن خود و مدرن نشان دادن کشور کرده بود، مخدوش بشود.^{۵۷} در حقیقت، شاه اصلاحاتی کوچک، به خصوص در جهت کاستن از خشونت را آغاز کرده بود که کارتر رئیس‌جمهور گردید.^{۵۸} با وجود این، برخی معتقدند سیاست حقوق بشر کارتر به طور غیرمستقیم در شکل‌گیری فضای باز سیاسی در ایران بی‌تأثیر نبود.^{۵۹}

ریچارد هلمز، سفیر سابق آمریکا در ایران، در یک ارزیابی سیاسی پیش‌بینی کرد به علت



فرح پهلوی، محمدرضا، کیسینجر، هلمز

تغییراتی که ممکن است در آینده صورت بگیرد، امکان ایجاد تضاد و اصطکاک در روابط دو کشور وجود خواهد داشت.^{۶۰} از همان موقعی که کارتر کاندیدای ریاست جمهوری شد و پس از آن، در روزهای اولیه حکومتش، کشورهایی که وابسته و متحد آمریکا بودند و در عین حال سابقه خوبی در زمینه حقوق بشر نداشتند، نگران شدند.^{۶۱} شاه نیز از این قاعده مستثنا نبود. صراحتی که کارتر در ابتدای روی کار آمدن در دفاع از حقوق بشر از خود نشان داد و مصمم نشان دادن او در به اجرا درآوردن آن و اعلام این که از حکومت‌های ناقض حقوق بشر، حمایت و پشتیبانی نخواهد کرد بر نگرانی شاه افزود.^{۶۲} ونس بسیار شفاف، نگرانی و عدم رضایت شاه را از وضع موجود بازگو کرده است: «... مسائل مربوط به حقوق بشر از آغاز

حکومت کارتر همواره بین ما و حکومت شاه مورد بحث بوده و موجب کدورت‌هایی شد. شاه از تأکید ما درباره این موضوع ناراحت بود و از اینکه بعضی از مقامات حکومت جدید آمریکا از جمله شخص پرزیدنت کارتر او را به چشم یک مستبد و ستمگر می‌نگرند خشمگین به نظر می‌رسید. شاه همچنین از انتقادات تندى که در مطبوعات آمریکا و کنگره آمریکا از وی به عمل می‌آمد عصبانی بود و نمی‌توانست قبول کند که این انتقادات لزوماً منعکس‌کننده نظریات دولت آمریکا نسبت به وی نیست.^{۶۳}

از سال ۱۹۷۶م/۱۳۵۵ش، ضرورت تغییر فضای سیاسی از سوی مشاوران به شاه تأکید شد.^{۶۴} «شاه و نزدیکترین مشاورین او تا اواسط سال ۱۹۷۶ تصمیم گرفتند که شکستن دایره گردش خشونت، سرکوبی رژیم و تروریسم مخالفین، ضروری است.»^{۶۵} شاه به چند دلیل سیاست خود را تغییر داد. او متوجه شده بود سیاست سرکوب علاوه بر زیان‌بار بودن، دیگر فایده و کارآمدی ندارد. با در پیش گرفتن روش بازتر و لیبرال‌تر، او می‌خواست شرایط را برای روی کار آمدن پسرش فراهم نماید. روش‌های سرکوب او، موجب واکنش‌هایی در سطح بین‌المللی شده بود و توجه جهانیان را به خود جلب کرده بود. بنابراین به توصیه مشاوران مسن خود سعی کرد از تکنوکرات‌های جوان و لیبرال بهره بگیرد. روی کار آمدن کارتر در آمریکا او را به تغییر سیاست‌های سابق مصمم‌تر ساخت.^{۶۶}

سفارت آمریکا در ۱۹۷۶م/۱۳۵۵ش، طی گزارشی اعلام کرد شاه از نظر عقلی دادن کمی دموکراسی را پذیرفته؛ اما نه از نوع اروپایی و آمریکایی‌اش. در کنار آن، شاه هنوز اعتقاد داشت آمریکا به دلیل نیازهایی که به ایران دارد نمی‌تواند زیاد او را تحت فشار قرار دهد.^{۶۷} همچنان که خود شاه اذعان داشت «تحقق مشارکت، اجرای اصل عدم تمرکز، تفویض مدیریت امور عمومی به مردم، انجام انتخابات آزاد در همه سطوح، می‌بایست در چارچوب مشروطه سلطنتی جامعه عمل بپوشد.»^{۶۸}

در خردادماه ۱۳۵۵، شاه تصمیم گرفت تعدادی از زندانیان را به مناسبت آغاز پنجاهمین سال سلطنت پهلوی آزاد نماید.^{۶۹} در اواخر خرداد ۶۸۲ نفر^{۷۰} و در اواخر مرداد ۳۰۷ نفر دیگر آزاد شدند.^{۷۱} نزدیک به این زمان، ویلیام باتلر، عضو کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان و رئیس انجمن آمریکایی حقوقدانان، اعلام کرد: «در ایران حقوق بشر را ساواک نقض می‌کند.»^{۷۲}

شاه در ابتدا حاضر به واگذاری امتیازهای بیشتری نبود. استدلال او، ادعای رضایت مردم از او و حکومتش بود. او طی مصاحبه‌ای در ۲۷ تیر ۱۳۵۵ گفت: «تمرکز قدرت در دست من به خواست مردم ایران است.»^{۷۳} راجی، سفیر ایران در لندن، در ملاقاتی با شاه سعی کرد او را ترغیب کند تا با بازدید افرادی از عفو بین‌الملل از زندان‌های معینی موافقت کند. تا این

زمان هرگونه تماس با این سازمان ممنوع بود.^{۷۴} شاه در جواب به راجی گفت: «اگر در را باز کنیم توقعشان بالا می‌رود.»^{۷۵} این نشان می‌دهد شاه تا جایی که امکان داشت، حاضر نبود در راستای آزادی و دموکراسی قدم بردارد و شرایط او را مجبور به این کار نمود.

در آمریکا، انتقاد از حکومت شاه کم‌کم آغاز شد. در اوایل آبان ۱۳۵۵، کاوش‌هایی درباره عملکرد ساواک در آمریکا شروع شد.^{۷۶} در ۱۲ آبان همین سال کارتر به ریاست جمهوری آمریکا رسید.^{۷۷} گزارش‌های مختلفی در زمینه وضعیت بد حقوق بشر در ایران منتشر شد. دفتر حقوق بشر وابسته به وزارت امور خارجه، به اعمال ساواک انتقاد و وضعیت حقوق بشر در ایران را در حد بد ارزیابی کرد.^{۷۸} آندرو یانگ، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، که با کارتر دوستی نزدیک داشت، بر حقوق بشر تأکید می‌کرد و اهمیتی که ناظران خارجی برای گفته‌های او قائل بودند، باعث نگرانی شاه می‌شد.^{۷۹} برخی مقامات آمریکایی در کمیته‌هایی که در کنگره به نقض حقوق بشر رسیدگی می‌کرد، شرکت کرده و شهادت می‌دادند.^{۸۰} شاه، اختارهایی از کارتر، پاتریشیا دری‌ین، سرپرست دفتر حقوق بشر وزارت امور خارجه و هنری پرشت، متصدی امور ایران در وزارت امور خارجه دریافت کرده بود.^{۸۱} «هر چند دولت کارتر، شاه را در زمینه اجرای حقوق بشر، زیر فشار جدی قرار نداد، مع‌هذا، هواداری دولت جدید آمریکا از اصول حقوق بشر، این باور را در میان گروه‌های اپوزیسیون تقویت کرد که شاه، به توصیه و دستور واشنگتن مجبور به رعایت حقوق بشر در ایران شده است...»^{۸۲}

تقریباً ۲۰ روز از ریاست جمهوری کارتر می‌گذشت که شاه به دفتر مخصوص خود دستور داد تا بر اعمال دولت نظارت و به بررسی نارسایی‌های آن بپردازد. به طوری که در طی دو روز ۲۹۰۰ اداره بی‌جا منحل و تعداد کارمندان تقلیل پیدا کرد.^{۸۳} «بیانیه سازمان عفو بین‌الملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران انتشار یافت.»^{۸۴} پرویز راجی مأمور شد تا پاسخ عفو بین‌الملل را بدهد.^{۸۵} خود شاه در ۲۷ آذر ۱۳۵۵، طی مصاحبه با تلویزیون بی.بی.سی، اعمال شکنجه توسط ساواک را رد کرد؛ با وجود این که عفو بین‌الملل به تازگی آن را تأیید نموده بود.^{۸۶} در اواخر دی همین سال، شاه به برخی افراد اجازه مذاکره با عفو بین‌الملل را، به شرط عدم مصالحه و ندادن هیچ‌گونه امتیازی، داد.^{۸۷}

حرکت بعدی کارتر این بود که طی فرمانی، سقفی برای فروش اسلحه تعیین کرد و نام ایران در لیست فروش نبود. این مسئله باعث برآشفستگی شاه شد.^{۸۸} به قول جیمز بیل البته به زودی «جریان اسلحه از سوی آمریکا، افزایش فراوانی یافت»^{۸۹}

شاه، آزادسازی زندانیان را همچنان در زمستان ۱۳۵۵ دنبال کرد. در اوایل بهمن ۱۷۹ نفر زندانی مشمول تخفیف در مجازات شدند.^{۹۰} در اواخر بهمن، ۴۴۱ زندانی مورد عفو قرار گرفتند که از

این تعداد ۱۲۴ نفر، زندانیان سیاسی بودند و با شرط نادم بودن از گذشته خود آزاد شدند.^{۹۱} در اواسط اسفند نیز ۱۱۶۵ زندانی آزاد شدند.^{۹۲} او «در اسفندماه به صلیب سرخ اجازه داد تا از بیست زندان و حدود ۳۰۰۰ سلول بازدید کند.»^{۹۳} در روزهای پایانی اسفند، تلاش اردشیر زاهدی در نجات جان عده‌ای که از سوی گروهی مسلمان به گروگان گرفته شده بودند، مختصر وجهه‌ای برای شاه در آمریکا کسب نمود.^{۹۴}

«کاهش خفقان و نظارت‌های پلیسی از اواخر سال ۱۳۵۵ آغاز شد و در تابستان سال بعد به اوج خود رسید.»^{۹۵} شاه، تصمیم گرفت همگام با حقوق بشر کارتر، برنامه فضای باز سیاسی را مطرح کند. در کنار آن سعی شد در تبلیغات جهانی ایران را رو به توسعه و پیشرفت معرفی کنند؛^{۹۶} و همزمان کوشید امکان هرگونه انتقادی از حکومت خود را با تبلیغ سیاست لیبرالیزه کردن، کاهش دهد.^{۹۷} از سوی دیگر، شاه سعی کرد در برابر سیاست حقوق بشر کارتر، سلاح تازه‌ای به کار برد. او طی مصاحبه‌ای گفت: «... اگر به تاریخ مراجعه کنیم درمی‌یابیم که ایران از زمان کورش کبیر (یعنی ۲۵۰۰ سال پیش) اولین کشوری بوده است که در راه دفاع از حقوق بشر گام برداشته است.»^{۹۸} شاه می‌خواست نشان دهد که ایران در این زمینه سابقه بیشتری دارد. در کنار آن، شاه تعداد زندانیان سیاسی را کمتر از دو هزار نفر اعلام کرد تا به تکذیب آمار و ارقام بیشتری که در این مورد وجود داشت پردازد.^{۹۹} شاه به مرور اقدامات دیگری نیز برای کاستن از فشارهای سیاسی انجام داد.^{۱۰۰} از جمله «کاهش فشار شدید سانسور و تشکیل کمیسیون‌ها و گروه‌های تحقیق مختلف برای رسیدگی به شکایات و آلام مردم.»^{۱۰۱} «علاوه بر این، رژیم در ده ماه اول سال ۱۹۷۷، از سه گروه حقوق بشر بین‌المللی - صلیب سرخ بین‌الملل، عفو بین‌الملل و کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان - دعوت کرد برای بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی ایران از نزدیک، از این کشور دیدن کنند.»^{۱۰۲} «شاه به نماینده سازمان عفو بین‌الملل قول داد وضعیت زندانها را بهبود ببخشد»^{۱۰۳} طبق گفته هادی غفاری (یکی از مبارزین انقلابی و فرزند آیت‌الله شهید غفاری)، که در این زمان در زندان به سر می‌برد، قبل از بازدید نمایندگان عفو بین‌الملل از زندان‌ها کمی به وضعیت زندانیان رسیدگی شد و تدابیر امنیتی اجرا شد تا زندانیان در نزد نمایندگان سازمان گله و شکایتی ابراز نکنند.^{۱۰۴} در این سال، ۵۳ نفر حقوقدان نامه اعتراض آمیز سرگشاده‌ای برای کاخ سلطنتی فرستادند.^{۱۰۵}

در اردیبهشت ماه ۱۳۵۶، کارتر، ونس را برای اعلام حمایت، موافقت با فروش سلاح‌های جدید و دعوت سفر به واشنگتن، نزد شاه فرستاد. ونس درباره مسائل مربوط به حقوق بشر از اقدامات شاه ستایش کرد و قول فروش اسلحه بیشتر را به شاه داد.^{۱۰۶} شاه، پس از دیدار با نماینده



سایروس ونس

کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان موافقت کرد تا به منظور رعایت بیشتر حقوق زندانیان سیاسی، آیین‌های دادرسی دادگاه را اصلاح کند.^{۱۰۷} «در اواسط خرداد، حزب رستاخیز اعلام کرد که از بحث‌های آزاد و انتقادهای سازنده استقبال خواهد کرد.»^{۱۰۸}

کارتر به سفیر خود سولیوان گفت پس از ورود به ایران و ملاقات با شاه، همان خط‌مشی سابق آمریکا در قبال ایران را برای او ترسیم کند و این که روابط کماکان مثل سابق در همه زمینه‌ها ادامه خواهد داشت؛ فقط در رابطه با حقوق بشر سعی کند سیاست کلی خود را قدری تعدیل نماید.^{۱۰۹} در ملاقاتی که سولیوان با شاه داشت، سخنان کارتر را به او منتقل کرد.^{۱۱۰} سولیوان «پیشنهاد کرد که طرح‌های مربوط به اصلاحات از طریق یک سازمان غیردولتی سوم، تسلیم شاه شود تا وجهه‌تحمیلی بودن این تحولات از سوی یک دولت خارجی هر چند دوست هم، مرتفع گردد.»^{۱۱۱} شاه، از پیام‌هایی که کارتر توسط سولیوان برای او فرستاده بود ابراز رضایت کرد.^{۱۱۲} شاه چندین بار در ملاقات با سولیوان از لزوم ایجاد یک

سیستم دمکراتیک به هنگام واگذاری قدرت به پسرش سخن راند.^{۱۱۳} شاه پس از ملاقات‌هایی که با ونس و سولیوان داشت، در مرداد ۱۳۵۶ پس از برکناری امیرعباس هویدا از نخست‌وزیری، جمشید آموزگار را به جای او برگزید.^{۱۱۴} حدود یک ماه قبل، ونس و آموزگار در پاریس ملاقاتی با هم داشتند و احتمال می‌رود در این زمینه گفتگو کرده باشند.^{۱۱۵} اردشیر زاهدی مدعی است انتصاب آموزگار به دستور مستقیم کارتر صورت گرفت.^{۱۱۶} حتی ساواک در پرونده‌های خود از آموزگار به عنوان مهره‌ای آمریکایی یاد کرده است.^{۱۱۷} شاه با قبول این عمل، می‌خواست حسن‌نیت خود را به آمریکایی‌های دمکرات نشان دهد.^{۱۱۸} و با یک خانه‌تکانی عظیم، از کنترل آشکار خود بر دولت بکاهد؛^{۱۱۹} که آن هم مطلوب آمریکا بود. او گمان می‌برد مثل سال‌های ۱۳۴۱ - ۱۳۳۹ می‌تواند با مطرح کردن فضای باز سیاسی و وعده انتخابات آزاد، این دوره را پشت سر بگذارد.^{۱۲۰} شاید می‌خواست با این کار نقشی را که در سال ۱۳۴۰ به دکتر علی امینی سپرد، به آموزگار واگذار کند؛ غافل از این که همه چیز تغییر کرده بود.^{۱۲۱}

در همین ماه (مرداد ۱۳۵۶)، دولت قوانین اصلاح دادگاه‌ها را وضع کرد. قرار شد بیشتر محاکمه‌ها علنی باشد و امتیازاتی برای دستگیرشدگان قائل شد.^{۱۲۲} شاه با اقدامات اصلاحی‌اش، موفق شد رضایت کارتر را جلب کند.^{۱۲۳} او کارتر را قانع ساخت که حکومت پهلوی برای آمریکا ویژگی مهمی دارد که موضوع حقوق بشر در پایین لیست قرار گیرد.^{۱۲۴} و توانست اعتماد غربی‌ها را نسبت به بهبود شرایط و اوضاع در ایران جلب کند. او سعی نمود از چهره مردمی و انسان‌دوستانه‌ای که همسرش فرح برای خود تبلیغ کرده بود کمک بگیرد تا بتواند عقاید نامطلوبی را که درباره حکومتش پدید آمده بود، تعدیل کند.^{۱۲۵} فرح نیز در مصاحبه‌های سیاسی شرکت می‌جست و از همسرش و رژیم حمایت می‌کرد.^{۱۲۶} «... طی نه ماه آخر سال ۱۳۵۶ چندین نامه سرگشاده برای شاه و نخست‌وزیر و دیگر مقامات بلندپایه، در اعتراض به اوضاع کشور، ارسال شد. همچنین، دهها اعلامیه و بیانیه از سوی شخصیت‌های ملی و مذهبی، نویسندگان، هنرمندان، حقوقدانان، بازاریان و دانشگاهیان، در سراسر کشور انتشار یافت.^{۱۲۷} از آن سو، «به تدریج، دهها انجمن حرفه‌ای همانند کانون حقوقدانان و کانون نویسندگان ایران فعالیت خود را از سر گرفتند و انجمن‌های جدیدی همچون انجمن دفاع از حقوق بشر ایران راه‌اندازی شد.»^{۱۲۸}

در این میان، با وجود رضایت کارتر برای فروش هواپیماهای موسوم به آواکس به شاه، این امر دچار مشکل شد.^{۱۲۹} «طرفداران حقوق بشر که در جریان مبارزات انتخاباتی کارتر در کنار او بودند و چند تن از پرحرارترین آنها در وزارت امور خارجه مشغول کار شده بودند موضوع فروش هواپیماهای آواکس را برای طرح مسئله نقض حقوق بشر در ایران مورد استفاده قرار دادند. آنها مدعی بودند فروش این هواپیماها به ایران در عین حال که مبین حمایت حکومت جدید

بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارتر و آثار آن در ایران

آمریکا از شاه خواهد بود، در حکم تأیید سیاست اختناق و فشار در ایران و برخلاف وعده‌های انتخاباتی دربارهٔ مراعات مسائل مربوط به حقوق بشر در سیاست خارجی آمریکا است.»^{۱۳۰} نهایتاً، کارتر توانست موافقت کنگره را جلب کند.^{۱۳۱} این یکی از مواردی بود که کارتر صریحاً برخلاف اصول سیاست خارجی خود عمل کرد.

«در اول آبان ۱۳۵۶، واقعه شهادت آیت‌الله حاج‌آقا مصطفی خمینی و مراسم پرشکوهی که در ایران برگزار شد، نقطه آغازی بر خیزش دوباره حوزه‌های علمیه و قیام جامعه مذهبی ایران بود. امام خمینی در همان زمان به گونه‌ای شگفت‌انگیز این واقعه را از الطاف خفیه الهی نامیده بود.»^{۱۳۲}

در سفری که شاه در آبان ماه به آمریکا داشت^{۱۳۳} کارتر در ملاقاتی خصوصی به او گفت از عدم رعایت حقوق بشر در ایران و وجود گروه‌های مخالف رژیم مطلع است و می‌خواهد که شاه در این زمینه اقدامی صورت دهد. شاه صراحتاً به کارتر جواب رد داد و دلیل آن را خطر کمونیسم در منطقه خواند. او در ادامه گفت پس از برطرف شدن این خطر شاید بتواند تغییراتی در قوانین بدهد، البته ممکن است طول بکشد.^{۱۳۴} کارتر به دلیل این که مطبوعات، طغیان‌های تازه ایران را با سیاست حقوق بشر او مرتبط می‌دانستند، احساس خطر نمود و در این مورد به شاه زیاد اصرار نکرد. کارتر همچنین مصر بود بحث با شاه درباره حقوق بشر به آرامی و با متانت باشد و از هرگونه فشار خودداری کند.^{۱۳۵} در صورت مذاکرات کارتر و شاه، که کاخ سفید آن را انتشار داد، اثری از حقوق بشر دیده نشد.^{۱۳۶} «بدین سان، مذاکرات واشنگتن، بی‌آنکه شاه در مورد مسئله حقوق بشر در ایران تعهدی به عهده بگیرد، پایان یافت...»^{۱۳۷} در این سفر بود که مخالفان، تظاهراتی علیه شاه ترتیب دادند که به برخورد بین پلیس و تظاهرکنندگان انجامید.^{۱۳۸} شاه، بیشتر مخالفان را مارکسیست هرج و مرج طلب خواند.^{۱۳۹} تسامح آمریکا در برگزاری تظاهرات ضدشاه در آمریکا، شاه را دچار سردرگمی نمود و گمان برد این احساسات از سوی آمریکا حمایت می‌شود.^{۱۴۰} کارتر، علی‌رغم شعارهای انتخاباتی‌اش، نسبت به این اعتراضها، واکنشی نشان نداد.

با وجود تلاش شاه مبنی بر این که روند افزایش فضای باز آرام صورت گیرد، اعتراض مردم سرعت بیشتری به خود گرفت.^{۱۴۱} «سیاست حقوق بشر کارتر این تصور را در داخل ایران رواج بخشید که رویه گذشته واشنگتن مبنی بر حمایت بی‌قید و شرط از شاه تغییر کرده و کارتر، شاه را برای انجام اصلاحات در ساختار سیاسی زیر فشار قرار داده است.»^{۱۴۲} این گونه بود که روحیه برخی مخالفان که گوشه چشمی به آمریکا داشتند، تقویت شد و تصویر شکست‌ناپذیری شاه از بین رفت.^{۱۴۳}

رشته به هم پیوسته‌ای از اعتراضات آغاز شد. در پائیز مخالفان بر اقدامات خود افزودند. نامه‌ها، اطلاعیه‌ها و بیانیه‌هایی از سوی کانون نویسندگان، قضات، جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و

حقوق بشر، کانون و کلا، حقوقدانان، سازمان ملی دانشگاهیان، انجمن تجار، بازرگانان و پیشه‌وران و انجمن طلاب انتشار یافت. بسیاری از این انجمن‌ها در این زمان موجودیت یافتند و بسیاری از آنها، سازمان ملل و افکار عمومی را در خارج از کشور در جریان وضعیت داخلی ایران قرار دادند.^{۱۴۴} «سازمان‌های سیاسی قدیم و جدید نیز با مشاهده پیدایش و فعالیت گروه‌های حرفه‌ای و طرفدار حقوق بشر، کم کم به صحنه آمدند.»^{۱۴۵} کریم سنجابی، از اعضای جبهه ملی، اذعان دارد در سایه باز شدن فضای سیاسی، طیف‌های مخالف فعالیت‌های خود را آغاز کردند.^{۱۴۶} مخالفان هر چه به جلو پیش می‌رفتند، خواسته‌های بیشتر و مهم‌تری را مطرح می‌کردند.^{۱۴۷} «تا اواخر آبان ۱۳۵۶، فعالیت‌های عمده مخالفان عبارت بود از: نوشتن نامه، تشکیل گروه‌های جدید، احیای گروه‌های قدیمی و انتشار بیانیه، اعلامیه و روزنامه. اما در اواخر آبان ماه به خیابان‌ها ریختند و مرحله جدیدی از روند انقلاب را آغاز کردند.»^{۱۴۸} تظاهرات به صورت پراکنده و محدود توسط دانشجویان به مناسبت‌های دانشجویی یا اعتراض به سفر سادات به اسرائیل انجام گرفت. تظاهرکنندگانی که دستگیر می‌شدند، به زودی تبرئه می‌شدند. این رویه باعث کاهش قدرت و ابهت ساواک در نزد مردم شد.^{۱۴۹} «بدین ترتیب، ثابت شد که سیاست تعدیل نظارت و گسترش فضای باز سیاسی نه یک مسکن سیاسی بلکه محرکی نیرومند بوده است.»^{۱۵۰} در اواسط آذر ۱۳۵۶، ۲۱ نفر زندانی امنیتی به مناسبت سالروز اعلامیه حقوق بشر آزاد شدند.^{۱۵۱}

کارتر در سفر به ایران در شب اول سال نو مسیحی،^{۱۵۲} ایران را جزیره ثبات در یکی از آشوب‌زده‌ترین مناطق جهان خواند.^{۱۵۳} «سخنان او دلیلی مستند بر حمایت‌های آمریکا از شاه بود.»^{۱۵۴} او در ادامه گفت: «هیچ کشور دیگری در جهان برای برنامه‌ریزی امنیت نظامی مشترک از ایران به ما نزدیکتر نیست. هیچ کشور دیگری برای بررسی مشکلات منطقه‌ای که مورد علاقه هر دو طرف ما نیز هست، ارتباط نزدیکتری از ایران با ما ندارد. و هیچ رهبر دیگری نزد من احترامی عمیق‌تر و رابطه‌ای دوستانه‌تر از شاه ندارد.»^{۱۵۵} بدین صورت سیاست تبلیغاتی حقوق بشر کارتر، در مقابل منافع نامشروع آمریکا رنگ باخت. حتی رادیو لندن در تفسیری که در این زمینه داشت از این که کارتر صحبتی از حقوق بشر به میان نیاورده ابراز تعجب کرد.^{۱۵۶} «نگرانی‌های واقعی وی، باید به نفع منافع اقتصادی و استراتژیک این کشور در ایران تعدیل می‌شد. از این رو، سخنان و اصول بشردوستانه مدیریت وی و سیاست خارجی واقعی آن کاملاً از هم جدا شد و تقریباً جنبه‌ای ریاکارانه به خود گرفت.»^{۱۵۷}

کمی پس از این ملاقات، مقاله‌ای اهانت‌بار از سوی رژیم علیه امام خمینی، رهبر محبوب مذهبی، منتشر شد که غوغای زیادی به پا کرد و منجر به قیام خونین ۱۹ دی قم شد.^{۱۵۸} درباره انگیزه شاه از انتشار این مقاله چند دلیل وجود دارد. دلیل اول این است که او با کسب اطمینان کامل از



سفر کارتر به ایران

حمایت کارتر، دستور انتشار آن را داد.^{۱۵۹} و دیگر این که، شاید او می‌خواست با این کار مخالفین را مانند اوایل دهه ۴۰ به میدان بکشانند تا به کارتر نشان دهد با دادن آزادی و فضای باز، ثبات سیاسی در ایران به خطر می‌افتد.^{۱۶۰} «غافل از آن که این مرتبه با افزایش و رشد آگاهی‌های مردمی و صلابت و اقتدار فزاینده رهبری انقلاب کنترل امور از دست عوامل نظام تحت سلطه خارج و موجب پیروزی انقلاب اسلامی خواهد شد.»^{۱۶۱} هر دلیلی که داشت، شاه خود بازی خطرناکی را آغاز کرد و آتش انقلاب شعله‌ورتر شد.

بعد از قیام ۱۹ دی، آمریکا به سفارت خود در ایران توصیه کرد در زمینه بهبود حقوق بشر با شاه و دیگر مسئولان صحبت شود، ولی در این زمینه به تغییر سیستم سیاسی نیازی نیست؛ چون یک نوع دخالت خارجی تلقی می‌شود و تصویری بد از ایران، موقعیت ایران را در آمریکا و دیگر مناطق به خطر می‌اندازد.^{۱۶۲}

پس از قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم، زنجیره‌ای از قیام‌ها و چهل‌های خونین آغاز گردید^{۱۶۳} که

نهایتاً رژیم را به ورطه سقوط کشاند. در این میان شاه دست به اقدامی ناممکن زد. از یک سو سعی کرد کمی آزادی بدهد و از سوی دیگر جلوی این آزادی را می‌گرفت.^{۱۶۴} او در روند آزادسازی، وعده انتخابات آزاد را داد و نعمت‌الله نصیری رئیس ساواک را برکنار نمود. در عین حال سعی کرد از فعالیت‌های مخالفان جلوگیری کند.^{۱۶۵} در بهمن‌ماه ۱۳۵۶، سازمان ملل قطعنامه‌ای بر ضد اعمال شکنجه به تصویب رساند که ایران جزو تهیه‌کنندگان آن بود.^{۱۶۶} رژیم با این اقدامات، می‌خواست خود را مبرا جلوه دهد.

در اواخر بهمن اعلام شد که صدها زندانی تا قبل از عید در دو مناسبت آزاد می‌شوند.^{۱۶۷} ونس می‌گوید: «ما از اقداماتی که شاه در جهت رعایت حقوق بشر و محدود ساختن اقدامات غیرقانونی ساواک آغاز کرده بود، استقبال کردیم. او همچنین اقداماتی در جهت تأمین آزادیهای سیاسی و جلب عناصر معتدل گروه‌های مخالف برای همکاری با رژیم آغاز کرد، که هر چند دیر بود از پشتیبانی ما برخوردار گردید.»^{۱۶۸} در این مدت هیچ‌گونه اعتراض جدی‌ای از سوی کارتر به شاه برای نقض حقوق بشر مشاهده نشد. فقط از سوی سولیوان به شاه پیشنهاد شد تا از سیاست مشت‌آهین دست بردارد و سعی کند بحران را مسالمت‌آمیز حل کند.^{۱۶۹}

پس از حادثه سینما رکس آبادان،^{۱۷۰} شاه تسلیم نظر واشنگتن شد و برای آرام‌سازی، آموزگار را برکنار و جعفر شریف‌امامی را با شعار «آشتی ملی» بر سر کار آورد. شریف‌امامی اصلاحات زیادی صورت داد.^{۱۷۱} اصلاحات او، باعث بروز اعتراضات وسیع‌تری شد.^{۱۷۲} شاه، در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ وعده انتخابات آزاد را داده بود.^{۱۷۳} رژیم، همراه با این اصلاحات در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، دست به کشتار مردم از بین برد.^{۱۷۴} کارتر از کمپ‌دیوید مراتب حمایت خود را از شاه با تلفن به اطلاع او رساند.^{۱۷۵} شاه مجبور شد پس از آن، ۱۴۰۰ زندانی را آزاد و قدرت ساواک را محدود کند.^{۱۷۶} در ضمن، اعتصابات، تظاهرات و راهپیمایی‌ها شدت بیشتری پیدا کردند.^{۱۷۷}

سیاست آمریکا در این مرحله، دارای تناقض است. از یک طرف سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) اعلام کرد ایران در وضعیت انقلابی قرار ندارد و از طرف دیگر سفارت آنها در ایران سعی کرد با مخالفین ارتباط بیشتری بگیرد.^{۱۷۸} «به موازات هر چه بیشتر فرو رفتن ایران در تنش و آشوب، اختلاف نظرات بین مدیران اجرایی کارتر نیز عمیق‌تر شد.»^{۱۷۹} وزارت امور خارجه خواهان واگذاری امتیازات بیشتر به مخالفان، و شورای امنیت آمریکا خواهان برخوردی جدی بود.^{۱۸۰} کارتر در این زمینه می‌گوید: «من پیامی برای او [شاه] فرستادم و ضمن آن تأکید کردم که ما از هر تصمیمی که وی برای مقابله با بحران اتخاذ نماید، حتی تشکیل یک

بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارتر و آثار آن در ایران

دولت نظامی پشتیبانی خواهیم کرد.»^{۱۸۱} سرانجام شاه، ژنرال غلامرضا ازهاری را به ریاست دولت نظامی منصوب کرد.^{۱۸۲} شاه، بعدها به امیراصلاحان افشار، رئیس کل تشریفات دربار، گفت علت انتخاب ازهاری فشار سفرای آمریکا و انگلیس بود.^{۱۸۳} تضاد نظرات در آمریکا، در ایران به نحو بارزی جلوه گر شد. ازهاری در حالی نخست‌وزیر دولت نظامی شد که اجازه نامحدود سرکوب و خونریزی را نداشت.^{۱۸۴} شاه نیز طی پیامی اعلام کرد صدای انقلاب را شنیده است.^{۱۸۵} او حتی ۱۱۲۶ تن از زندانیان سیاسی را عفو کرد.^{۱۸۶} ازهاری به اقدامات اصلاحی دیگری دست زد. از جمله دستور دستگیری نصیری و هویدا را صادر کرد.^{۱۸۷} در این حال، شورای امنیت ملی آمریکا استفاده شاه از قدرت را مورد تأیید قرار داد و در مقابل، وزارت خارجه به ایران بدون شاه می‌اندیشید.^{۱۸۸} «زیرا واشنگتن یک روز از تعهدش به حقوق بشر سخن می‌گفت و روز بعد بر ضرورت ثبات تأکید می‌کرد و اهمیت روابط ویژه آمریکا را با شاه مجدداً یادآوری می‌کرد.»^{۱۸۹}

کمی پس از ۱۷ شهریور، کارتر «از جرج بال، معاون پیشین وزارت خارجه و لیبرال منتقد شاه، خواست تا گزارشی دربارهٔ بحران ایران برای کاخ سفید تهیه کند... بال در گزارش خود نوشت که شاه در قدرت باقی نخواهد ماند مگر اینکه قدرت خود را به سرعت تعدیل کند و از حضور نظامیان در حکومت بکاهد.»^{۱۹۰} زمانی که در ۷ دسامبر ۱۹۷۸، از کارتر در مورد امکان بقای شاه سؤال شد، او گفت: «من نمی‌دانم. امیدوارم که این طور بشود. این چیزی است که به دست مردم ایران است. ما هیچ گاه قصد وارد شدن در امور سیاسی داخل ایران را نداشتیم و نداریم.»^{۱۹۱} شاه با شدت یافتن اوضاع، نظر آمریکا را در مورد استفاده از سیاست مشت آهنین جویا شد.^{۱۹۲} پاسخی که به شاه داده شد، این بود که زمانی که دولت در برقراری نظم ناکام شود می‌تواند از آن بهره بگیرد.^{۱۹۳} کارتر دربارهٔ نظرخواهی‌های شاه از آمریکا می‌گوید: «باید بگویم که شاه تسلیم پیشنهادهایی بود که از سفارت ما انشاء می‌شد.»^{۱۹۴} شاه با موافقت واشنگتن با برخی رهبران جبهه ملی گفتگوی بی‌سرانجامی انجام داد.^{۱۹۵} دست آخر، و پس از آنکه نتوانست موافقت هیچ شخصیت مخالف برجسته‌ای را برای تشکیل دولت جلب کند، به ناگزیر تصمیم گرفت شاپور بختیار را به نخست‌وزیری بگمارد که شرط او برای نخست‌وزیری خروج شاه از ایران بود.^{۱۹۶} البته، قبلاً پیامی از واشنگتن برای شاه مبنی بر لزوم ترک کشور رسیده بود.^{۱۹۷} امیراصلاحان افشار، مدعی است که شاه قصد خروج از کشور را نداشت و بالاجبار به این خواسته تن داد.^{۱۹۸} تصمیم به خروج شاه در کنفرانس گوادلوپ گرفته شده بود؛ کنفرانسی که در آن سران چهار کشور آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه شرکت داشتند.^{۱۹۹} واشنگتن طی پیامی حمایت خود را از بختیار اعلام کرد.^{۲۰۰}

بختیار هم اصلاحات دیگری صورت داد^{۲۰۱} ولی برای دوام رژیم نتیجه‌بخش نبود. موضوعی که پس از رفتن شاه موجب نگرانی بود این بود که احتمال فروپاشی ارتش می‌رفت.^{۲۰۲} کارتر برای حل بحران، ژنرال رابرت هایزر را به ایران اعزام نمود.^{۲۰۳} «هدف اصلی مأموریت هایزر، در پرده‌ای از ابهام قرار دارد.»^{۲۰۴} در این زمینه دو فرضیه وجود دارد. یکی این که جلوی کودتای خودسرانه افسران را بگیرد و دیگر این که ارتش را وادار به حمایت از بختیار کند. او نیز دستورهای متضادی از آمریکا دریافت می‌کرد.^{۲۰۵} پیام‌هایی که از واشنگتن برای هایزر و سولیوان ارسال می‌شد با هم در تضاد بود.^{۲۰۶} سولیوان در این باره می‌گوید: «... بعضی اوقات دستوراتی که به من و هایزر داده می‌شد به قدری با هم متفاوت بود که گویی ما با دو شهر مختلف یا مقامات دو کشور مختلف صحبت کرده‌ایم.»^{۲۰۷} «... تنها چند روز پس از رسیدن بختیار به قدرت، سولیوان با بازرگان و نمایندگان روحانیون دیدار کرد. سولیوان به دنبال آن دیدار، بازرگان را ترغیب کرد تا به منظور تسهیل زمینه‌های انتقال آرام قدرت به انقلابیون، با قره‌باغی، رئیس ستاد نیروهای مسلح، دیدار کند...»^{۲۰۸}

پس از کشمکش‌های طولانی، امام خمینی وارد ایران شدند و پس از ده روز انقلاب اسلامی به ثمر رسید.^{۲۰۹} در گرماگرم انقلاب در ایران، توجه واشنگتن معطوف به قرارداد کمپ‌دیوید و مذاکرات اعراب و اسرائیل بود.^{۲۱۰}

از زمانی که شاه تصمیم گرفت تغییراتی در سیستم سیاسی به منظور آزادسازی ایجاد کند، فقط مایل به اعطای محدود فضای سیاسی بود و حاضر نبود به تقسیم قدرت بپردازد.^{۲۱۱} از این گذشته شاه در پی دادن آزادیهای مستمر و دمکراتیزه کردن کشور نبود و به صورت مقطعی این سیاست را دنبال می‌کرد.^{۲۱۲} در نهایت نیز او نتوانست آنچه را که از دموکراسی و فضای باز سیاسی مدنظر داشت پیاده کند. به ویژه، حزب رستاخیز و احزاب قبل از آن با شکست روبرو شده بودند.^{۲۱۳} شاه تا روزهای پایانی نزدیک به سقوطش نیز به سیاست حقوق بشر کارتر اعتقادی نداشت. او معتقد بود مشکلاتی که برایش ایجاد شده منشأ خارجی دارد.^{۲۱۴} شاه وجود آزادی را مترادف اغتشاش و هرج و مرج می‌دانست.^{۲۱۵}

کارتر واقعاً در پی آن نبود که به تغییر کامل سیستم سیاسی بپردازد. فقط می‌خواست کمی اصلاحات صورت بگیرد تا در سایه آن، منافع آمریکا تأمین شود و رژیم ثبات یابد. اما شاه، گمان می‌برد فقط اصلاحات بزرگ و جدی است که آمریکا را راضی می‌کند. او در روزهای نزدیک به سقوطش آن اندازه به خارجی‌ها بدبین بود که گمان می‌برد آنها درصدد حذف او هستند.^{۲۱۶}

شاپور بختیار، آخرین نخست‌وزیر دوران پهلوی، مانند بسیاری دیگر از طرفداران بقای



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
بختیار

رساله جامع علوم انسانی

رژیم، آمریکا و به خصوص کارتر و سیاست حقوق بشر او را در جریان وقوع انقلاب مقصر قلمداد کرده است.^{۲۱۷} کریم سنجابی از اعضای جبهه ملی نیز، سیاست حقوق بشر کارتر را عاملی در به راه افتادن جنبش ضدشاه می‌داند.^{۲۱۸} حتی احسان نراقی، معتقد است «عدم حمایت آمریکا از شاه انقلاب را عملی کرد.»^{۲۱۹} او در ادامه می‌گوید: «بدون شک اگر آمریکای زمان کارتر نظیر آمریکای زمان نیکسون از شاه حمایت بی‌دریغ می‌کرد، معلوم نبود انقلاب ایران چه صورتی به خود می‌گرفت.»^{۲۲۰} می‌توان گفت، سیاستی که کارتر در قبال ایران در پیش گرفت، موجب نارضایتی شاه و رژیم او و همین‌طور انقلابیون گردید «... زیرا سیاست نیم‌بند او نه دولت‌های مرتجع را راضی می‌کرد و نه انبوه مردم آزادیخواه را.»^{۲۲۱} در واقع، از موقعی که

موج انقلاب شدت و خروش بیشتری یافت، سیاست حقوق بشر را تحت الشعاع خود قرار داد و واشنگتن جز نجات شاه به مسئله دیگری نمی‌اندیشید.

نتیجه‌گیری

کارتر در شرایطی روی کار آمد که مدت‌ها بود آمریکا به دلیل بحران واترگیت و جنگ ویتنام از وجهه عمومی خوبی در دنیا برخوردار نبود و لازم بود در سیاست‌های خارجی خود کمی تجدیدنظر کند.

ایران و آمریکا در دوران پهلوی روابط گسترده و عمیقی داشتند، به همین دلیل، تحولات آمریکا بر روی سیاست‌گذاری‌ها در ایران تأثیرگذار بود. قبل از انتخابات، شاه تلاش خود را به کار گرفت تا از به قدرت رسیدن کارتر جلوگیری کند. با وجود این، کارتر با سیاست حقوق بشر روی کار آمد. سیاست خارجی‌ای که او در رابطه با ایران در پیش گرفت، ادامه سیاست خارجی گذشته بود. آمریکا برای تأمین منافع خود در ایران اصلاحاتی را توصیه می‌کرد که باعث ثبات و دوام حکومت ایران شود. یک حکومت قوی و خوشنام می‌توانست حافظ منافع آمریکا باشد. ایران به عنوان متحد آمریکا می‌بایست به اصلاح وجهه خود می‌پرداخت. او، از همان ابتدا تا سقوط شاه مرتب بر وضعیت حقوق بشر در ایران تأکید می‌کرد، منتها این امر با فشار جدی از سوی آمریکا همراه نبود و کماکان به حمایت از شاه پرداخت و به فروش اسلحه به شاه نیز ادامه داد. این‌گونه بود که تشدید سیاست فضای باز سیاسی در ایران مطرح شد. شرایط داخلی ایران، در این زمان آماده انقلاب بود. انقلابیون و مخالفین، از شرایط جدید به بهترین وجه بهره‌برداری کردند. با هر قدمی که شاه در برابر اعتراضات و نارضایتی‌های داخلی و فضای تبلیغاتی خارجی برای دادن کمی آزادی و تغییر صوری در شیوه‌های مواجهه با مخالفان برمی‌داشت، انقلابیون به فراگیری انقلاب نزدیک‌تر می‌شدند. مسلماً آمریکا مایل نبود در ایران انقلاب شود؛ چون با منافعش در تضاد بود. واشنگتن در هنگام بروز بحران در ایران، نتوانست راه‌حلی به شاه ارائه دهد، بلکه تصمیمات و سیاست‌های دوگانه‌ای که از آمریکا می‌رسید، باعث تردید و تزلزل در شاه بیمار گردید و او را در تصمیم‌گیری دچار مشکل ساخت. به حدی که از او هم، تصمیمات متضاد سر می‌زد. کارتر، حتی در روزهای پرتنش و آشوب که منجر به خشونت رژیم می‌گردید، شاه را محکوم ننمود. در روزهای پایانی عمر رژیم، سیاست حقوق بشر کارتر تحت الشعاع وضعیت انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت. این تحلیل که سیاست حقوق بشر کارتر، مستقیماً باعث سقوط شاه و سلسله پهلوی شده باشد، تحلیل درستی نیست. این سیاست، فقط شرایطی را

بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارتر و آثار آن در ایران

فراهم کرد تا نیروهای خفته مخالف، بیدار شوند و نهضت فراگیر شود. شاه در ابتدا گمان می برد این طرز برخورد آمریکا، اهرمی است برای این که حمایت از او منوط به تغییر در سیاستهای داخلی شود و در روزهای پایانی، با بدبینی کامل، تقریباً اطمینان یافته بود که خواهان برداشتن او از سلطنت هستند. دست آخر، کارتر نتوانست اهدافی را که با اجرای سیاست حقوق بشر مدنظر داشت در ایران اجرا کند و سیاست او برای آمریکا و رژیم شاه شکست خورد و در ایران، پیروزی انقلاب اسلامی محقق گردید.

پانوشتها

- ۱- شکل گیری انقلاب اسلامی (از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی)، محسن میلانی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو، چاپ پنجم، ۱۳۸۷، ص ۲۰۲.
- ۲- ۲۵ سال حاکمیت آمریکا بر ایران، جواد منصوری، بی جا، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۴، ص ۱۵۵.
- ۳- تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی، دکتر علیرضا امینی، تهران: صدای معاصر، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۳۹.
- ۴- ۲۵ سال حاکمیت آمریکا بر ایران، پیشین، ص ۱۵۵.
- ۵- بیماری شاه و دولت های غربی، دکتر دیوید اوئن، ترجمه: دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۲۲، شم ۱۱ و ۱۲، تهران: اطلاعات، مرداد و شهریور ۱۳۸۷، ص ۱۱۶.
- ۶- واثرگیت نام ساختمانی بود که دفتر حزب دمکرات (حزب رقیب نیکسون) در آن قرار داشت و به دستور نیکسون در آن میکروفن و دوربین مخفی کار گذاشته بودند.
- ۷- سازمان های جاسوسی دنیا، احمد ساجدی، تهران: محراب قلم، چاپ ششم، زمستان ۱۳۶۶، صص ۱۱۲-۱۰۹.
- ۸- شکل گیری انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۲۰۳، نک: مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، دکتر منوچهر محمدی، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷، ص ۱۳۰.
- ۹- سایه های قدرت (شورای روابط خارجی و افول آمریکا)، جیمز پرلاف، مترجم: کریم میرزایی، تهران: مؤسسات خدمات فرهنگی رسا، چ اول ۱۳۷۱، ص ۲۱۵؛ نک: مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، پیشین، ص ۱۳۰.
- ۱۰- تحولات سیاسی در ایالات متحده آمریکا، یان داربی شر، مترجم: رحیم قاسمیان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۶۹، ص ۱۸۷.
- ۱۱- تحولات سیاسی خارجی آمریکا، مداخله گرایی و گسترش؛ ۱۹۹۷ - ۱۹۴۵، دکتر ابراهیم متقی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ اول، ۱۳۷۶، ص ۷۳.
- ۱۲- روند سلطه گری، استفن امبروز، (تاریخ سیاست خارجی آمریکا ۱۹۸۳-۱۹۳۸)، ترجمه: احمد تابنده، تهران: چ سوم، مهر ۱۳۶۸، ص ۳۹۹.
- ۱۳- تحولات سیاست خارجی آمریکا، پیشین، ص ۷۴.
- ۱۴- روند سلطه گری، پیشین، ص ۳۹۹.
- ۱۵- عقاب و شیر، جیمز بیل، مهوش غلامی، ج ۱، تهران: نشر کوبه، چ اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۳۶۱.
- ۱۶- نقش حقوق بشر در هژمونی آمریکا، عبدالله قنبرلو، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۱۹، شم ۷ و ۸، تهران: اطلاعات، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۱۷.
- ۱۷- عقاب و شیر، جیمز بیل، مهوش غلامی، پیشین، ص ۳۶۱.

- ۱۸- پیشین، ص ۳۶۱.
- ۱۹- روند سلطه‌گری، پیشین، ص ۴۰۵.
- ۲۰- تحولات سیاست خارجی آمریکا، پیشین، ص ۷۴، نک: تحولات سیاسی در ایالات متحده آمریکا، پیشین، صص ۱۸۸-۱۸۷.
- ۲۱- خاطرات دو سفیر، (ضمیمه، مقاله سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا)، ترجمه محمود طولوعی، تهران، انتشارات علم، چ سوم، ۱۳۷۵، ص ۴۶۳؛ نک: عقاب و شیر، جیمز بیل، ج ۱، تهران، ص ۳۶۱.
- ۲۲- خاطرات دو سفیر، (مقاله سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا)، پیشین، ص ۴۶۳.
- ۲۳- سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۰)، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، چ سوم ۱۳۷۵، ص ۴۶۴.
- ۲۴- سقوط دوستان، ایالات متحده آمریکا و تغییر حکومت‌ها در کشورهای خارجی، مارتین استانی لند، ترجمه: بدرالزمان شهبازی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸، چ اول، صص ۱۱۱-۱۱۰.
- ۲۵- خاطرات دو سفیر، (مقاله سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا)، پیشین، ص ۴۶۳؛ نک: آمریکا در بند، پیر سالیانجر، تهران: کتاب‌سرا، دی ۱۳۶۲، بی‌تا، ص ۱۸.
- ۲۶- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، پیشین، ص ۲۷.
- ۲۷- خاطرات دو سفیر (مقاله سایروس ونس وزیر خارجه آمریکا)، پیشین، ص ۴۶۶.
- ۲۸- پیشین، ص ۴۶۶.
- ۲۹- پیشین.
- ۳۰- کارتر و سقوط شاه (روایت دست اول)، مایکل لالدین - ویلیام لوئیس، ترجمه: ناصر ایرانی، تهران: امیرکبیر، چ سوم ۱۳۶۳، ص ۴۳.
- ۳۱- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۲۰۲.
- ۳۲- پیشین.
- ۳۳- ۴۴ روز (ماجرای گروگان‌های آمریکایی در ایران)، خاطرات جیمی کارتر، ترجمه: احمد باقری، تهران: انتشارات هفته، آبان ۱۳۶۱، ص ۱۰.
- ۳۴- یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، مترجمان: احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتحی و لیلایی، تهران: نشر نی، چ پانزدهم ۱۳۸۸، ص ۶۱۷.
- ۳۵- کارتر و سقوط شاه، پیشین، ص ۴۵.
- ۳۶- چارچوبی تحلیلی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پروفیسور روح‌الله رضانی، ترجمه: علیرضا طیب، تهران: نشر نی، چ اول ۱۳۸۰، ص ۵۸.
- ۳۷- کارتر و سقوط شاه، پیشین، صص ۴۶-۴۵.
- ۳۸- ۴۴ روز، خاطرات جیمی کارتر، پیشین، صص ۱۱-۱۰.
- ۳۹- آخرین سفر شاه، ویلیام شوکراس، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر ذهن آویز، تهران، چ شانزدهم ۱۳۸۷، ص ۱۵۲؛ نک: من و خاندان پهلوی، احمدعلی مسعودانصاری، تنظیم و نوشته محمد برقی، حسین سرفراز، تصحیح و مقدمه از دکتر حسین ابوترابیان، تهران: فاختر، چ دوم ۱۳۷۱، ص ۶۵، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۰)، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، چ سوم ۱۳۷۵، ص ۴۶۱.
- ۴۰- سقوط دوستان، تهران، پیشین، صص ۱۱۱-۱۱۰؛ نک: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، سرهنگ غلامرضا نجاتی، ج ۲، جلد ۲، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ هفتم ۱۳۸۴، صص ۱۹-۱۸.
- ۴۱- پیشین، ص ۱۱۸.
- ۴۲- در خدمت تخت طاووس، یادداشت‌های روزانه آخرین سفیر شاه در لندن، پرویز راجی، ترجمه: حسن کامشاد، تهران: انتشارات طرح نو، چ اول ۱۳۸۱، ص ۴۱؛ نک: روزشمار روابط ایران و آمریکا، غلامرضا کرباسچی، تهران: بقیه، چ اول ۱۳۸۰، ص ۲۴۵.
- ۴۳- عقاب و شیر، ج ۱، پیشین، ص ۳۵۳؛ نک: روزشمار روابط ایران و آمریکا (۱۲۴۸ق-۱۳۷۷ش / ۱۸۳۲-۱۹۹۹م)، به

بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارتر و آثار آن در ایران

- کوشش بهروز طیرانی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چ اول ۱۳۷۹، ص ۲۳۲.
- ۴۴- یادداشت‌های امیراسدالله علم، ج ۶، پیشین، ص ۱۴۵.
- ۴۵- سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، پیشین، ص ۴۶۲؛ نک: روزشمار روابط ایران و آمریکا، غلامرضا کرباسچی، پیشین، ص ۲۴۹.
- ۴۶- رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، اردشیر زاهدی، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چ اول، دی ۱۳۸۷، ص ۲۳۷.
- ۴۷- ۲۵ سال در کنار شاه، خاطرات اردشیر زاهدی، به کوشش ابوالفضل آتابای، تهران: عطایی، ۱۳۸۱، ص ۳۰۵.
- ۴۸- روزشمار روابط ایران و آمریکا، به کوشش بهروز طیرانی، پیشین، ص ۲۳۲ (به نقل از روزنامه اطلاعات).
- ۴۹- عقاب و شیر، جیمز بیل، ج ۱، پیشین، ص ۳۵۳.
- ۵۰- مصاحبه شاه با مدیر دفتر خاورمیانه مجله آمریکایی بیزینس ویک، مجله خواندنیها، شم ۱۸، ص ۳۷، شنبه ۲ بهمن ۲۵۳۵، صص ۴ و ۵۹-۵۷ (تاریخ مصاحبه: ۱۸ دی).
- ۵۱- پیشین.
- ۵۲- تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۱۷؛ نک: ایران بین دو انقلاب، ص ۶۱۵.
- ۵۳- تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، پیشین، صص ۱۴-۱۳.
- ۵۴- پیشین، ص ۱۷؛ نک: ایران بین دو انقلاب، پیشین، ص ۱۷.
- ۵۵- ایران بین دو انقلاب، پیشین، ص ۶۱۶.
- ۵۶- خاطرات دو سفیر، ص ۲۱.
- ۵۷- ایران بین دو انقلاب، ص ۶۱۷.
- ۵۸- عقاب و شیر، جیمز بیل، ج ۱، صص ۳۴۶-۳۴۵.
- ۵۹- ایران و آمریکا: رویارویی یا تعامل؟ دکتر جواد اطاعت، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و سوم، ش یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۸، ۲۶۴-۲۶۳، مؤسسه اطلاعات، ص ۴.
- ۶۰- اسناد لانه جاسوسی، به کوشش: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، ج ۷، تهران: مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، زمستان ۱۳۶۹، ص ۸۵.
- ۶۱- خاطرات دو سفیر (ضمیمه، مقاله سایروس ونس)، ص ۴۶۶.
- ۶۲- پیشین، ص ۱۱۸.
- ۶۳- پیشین، ص ۴۶۷.
- ۶۴- عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۵۵.
- ۶۵- پیشین، ج ۱، ص ۳۵۱.
- ۶۶- پیشین، صص ۳۵۳-۳۵۲.
- ۶۷- اسناد لانه جاسوسی، ج ۷، ص ۷۸.
- ۶۸- پاسخ به تاریخ، محمدرضا پهلوی، به کوشش شهریار ماکان، تهران: نشر البرز، چ دهم، پاییز ۱۳۸۸، ص ۳۰۷.
- ۶۹- مجله خواندنیها، س ۳۶، ش ۷۳، سه‌شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۵۵، ص ۴ (به نقل از روزنامه آیندگان).
- ۷۰- پیشین، س ۳۶، ش ۷۹، سه‌شنبه ۸ تیر ۱۳۵۵، ص ۲.
- ۷۱- پیشین، س ۳۶، ش ۹۴، شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۵۵، ص ۲.
- ۷۲- روزشمار روابط ایران و آمریکا، بهروز طیرانی، ص ۲۳۵.
- ۷۳- روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، باقر عاقلی، ۲ جلد، ج ۲، تهران: گفتار، چ اول ۱۳۷۰، ص ۳۱۰.
- ۷۴- در خدمت تخت طاووس، صص ۳۶-۳۳.
- ۷۵- پیشین، ص ۳۸.
- ۷۶- روزشمار روابط ایران و آمریکا، بهروز طیرانی، صص ۲۳۳-۲۳۲.
- ۷۷- پیشین، ص ۲۳۲.
- ۷۸- کارتر و سقوط شاه، پیشین، صص ۴۴-۴۳.

- ۷۹- پیشین، ص ۴۵.
- ۸۰- عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۵۴.
- ۸۱- کارتر و سقوط شاه، ص ۴۵.
- ۸۲- تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۴۴.
- ۸۳- یادداشت‌های امیراسدالله علم، ج ۶، ص ۲۳۴.
- ۸۴- روزشمار روابط ایران و آمریکا، بهروز طیرانی، ۲۳۴.
- ۸۵- در خدمت تخت طاووس، ۱۳۸۱، صص ۵۷-۵۸.
- ۸۶- روزشمار روابط ایران و آمریکا، بهروز طیرانی، صص ۲۳۶-۲۳۵.
- ۸۷- در خدمت تخت طاووس، ۱۳۸۱، صص ۵۷-۵۸.
- ۸۸- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، پیشین، ص ۲۰۵؛ نک: خاطرات دو سفیر (ضمیمه، مقاله سایروس ونس)، ص ۴۶۷.
- ۸۹- عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۶۸.
- ۹۰- خواندنیها، س ۳۷، شم ۱۹، شنبه ۹ بهمن ۱۳۵۵، ص ۲.
- ۹۱- پیشین، س ۳۷، شم ۲۱، شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۵۵، ص ۲.
- ۹۲- پیشین، س ۳۷، ش ۲۴، شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۵، ص ۳.
- ۹۳- ایران بین دو انقلاب، پیشین، ص ۶۱۸؛ نک: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۱۹.
- ۹۴- خواندنیها، س ۳۷، شم ۲۶، شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۵۵، ص ۲.
- ۹۵- ایران بین دو انقلاب، پیشین، ص ۶۱۸.
- ۹۶- تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۱۹.
- ۹۷- عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۵۴.
- ۹۸- خواندنیها، س ۳۷، شم ۳۹، شنبه ۴ تیر ۱۳۵۶ (مصاحبه شاه با ادوارد سابلیه مفسر فرانسوی).
- ۹۹- پیشین، س ۳۷، شم ۲۶، شنبه ۲۸ اسفند ۱۳۵۵، به نقل از مصاحبه شاه با روزنامه شیکاگو تریبون.
- ۱۰۰- عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۵۶.
- ۱۰۱- پیشین، ص ۳۵۶؛ نک: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۱۹.
- ۱۰۲- عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۵۶؛ نک: پرواند آبراهامیان، ص ۶۱۸، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۲۰.
- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۶.
- ۱۰۳- ایران بین دو انقلاب، مترجمان، ص ۶۱۸.
- ۱۰۴- خاطرات هادی غفاری، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری، تهران، اول، ۱۳۷۴، صص ۸۹-۸۸.
- ۱۰۵- ایران بین دو انقلاب، ص ۶۱۹.
- ۱۰۶- خاطرات دو سفیر (مقاله سایروس ونس)، صص ۴۶۹-۴۶۸؛ نک: روزشمار روابط ایران و آمریکا، به کوشش بهروز طیرانی، ص ۴۴۲؛ شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۲.
- ۱۰۷- ایران بین دو انقلاب، ص ۶۱۸.
- ۱۰۸- پیشین، ص ۶۱۸؛ نک: شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۳.
- ۱۰۹- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، صص ۲۹-۲۷.
- ۱۱۰- پیشین، ص ۵۶.
- ۱۱۱- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۴.
- ۱۱۲- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۵۶.
- ۱۱۳- پیشین، ص ۱۵۵.
- ۱۱۴- در حاشیه سیاست خارجی از دوران نهضت ملی تا انقلاب، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر آسیم، چ دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱؛ نک: ایران بین دو انقلاب، ص ۶۱۸؛ تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، ص ۲۰.
- ۱۱۵- در حاشیه سیاست خارجی از دوران نهضت ملی تا انقلاب، پیشین، ص ۲۷۱؛ نک: ۲۵ سال در کنار شاه، ص ۲۹۶، روزشمار روابط ایران و آمریکا، به کوشش بهروز طیرانی، ص ۲۴۲.

بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارتر و آثار آن در ایران

- ۱۱۶- ۲۵ سال در کنار شاه، ص ۲۸۳.
- ۱۱۷- رجال عصر پهلوی، جمشید آموزگار به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، بهار ۱۳۸۲، چ اول، تهران، ص ۳۷۶.
- ۱۱۸- ۲۵ سال در کنار شاه، ص ۲۹۶.
- ۱۱۹- چهره‌هایی در آئینه (متن کامل خاطرات اشرف پهلوی)، به قلم: اشرف پهلوی، تهران: امیرمستعان، چ اول، ۱۳۸۱، صص ۲۴۹-۲۴۸.
- ۱۲۰- سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، صص ۴۶۳-۴۶۲.
- ۱۲۱- پیشین، صص ۶۶۵-۴۶۴.
- ۱۲۲- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۶؛ نک: ایران بین دو انقلاب، صص ۶۱۹-۶۱۸.
- ۱۲۳- سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، ص ۴۶۵.
- ۱۲۴- عقاب و شیر، ج ۱، ص ۳۶۸.
- ۱۲۵- از کاخ شاه تا زندان اوین، احسان نراقی، مترجم: سعید آذری، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ چهارم، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸.
- ۱۲۶- خواندنیها، ش ۲۴، س ۳۷، شنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۵.
- ۱۲۷- تاریخ سیاسی بیست‌وپنج ساله ایران، ج ۲، ص ۲۱.
- ۱۲۸- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۳؛ نک: ایران بین دو انقلاب، صص ۶۲۱-۶۲۰.
- ۱۲۹- خاطرات دو سفیر (ضمیمه، مقاله ویلیام سولیوان)، ص ۱۱۱؛ نک: شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۳.
- ۱۳۰- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، صص ۱۱۲-۱۱۱؛ روزشمار روابط ایران و آمریکا، بهروز طیرانی، ص ۲۴۵.
- ۱۳۱- خاطرات دو سفیر (ضمیمه، مقاله سایروس ونس)، ص ۴۷۱.
- ۱۳۲- حدیث بیداری، ص ۸۷.
- ۱۳۳- خواندنیها، س ۳۸، شم ۱۰، شنبه ۲۸ آبان ۱۳۵۶، ص ۳؛ نک: تاریخ سیاسی بیست‌وپنج ساله ایران، ج ۲، ص ۴۷.
- ۱۳۴- خاطرات دو سفیر (خاطرات کارتر)، صص ۴۴۹-۴۴۸.
- ۱۳۵- پیشین، ص ۴۴۹.
- ۱۳۶- خواندنیها، س ۳۸، شم ۱۰، شنبه ۲۸ آبان ۱۳۵۶، ص ۳.
- ۱۳۷- تاریخ سیاسی بیست‌وپنج ساله ایران، ج ۲، ص ۵۴.
- ۱۳۸- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، صص ۱۲۴-۱۲۳؛ نک: خاطرات دو سفیر، (ضمیمه، مقاله سایروس ونس)، ص ۴۷۲؛ ۴۴۴ روز، صص ۹-۱۰.
- ۱۳۹- خواندنیها، س ۳۸، شم ۱۰، شنبه ۲۸ آبان ۱۳۵۶، ص ۲.
- ۱۴۰- کارتر و سقوط شاه، ص ۲۸.
- ۱۴۱- تاریخ سیاسی بیست‌وپنج ساله ایران، ج ۲، ص ۲۱.
- ۱۴۲- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۶.
- ۱۴۳- پیشین.
- ۱۴۴- ایران بین دو انقلاب، ص ۶۲۱.
- ۱۴۵- پیشین، ص ۶۲۲.
- ۱۴۶- خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی، تهران: صدای معاصر، چ اول، ۱۳۸۱، صص ۳۱۲-۳۱۱.
- ۱۴۷- ایران بین دو انقلاب، ص ۶۲۲.
- ۱۴۸- پیشین، ص ۶۲۳.
- ۱۴۹- پیشین.
- ۱۵۰- پیشین.
- ۱۵۱- خواندنیها، س ۳۸، شم ۱۳، سه‌شنبه ۱۹ آذر ۱۳۵۶، ص ۲.

- ۱۵۲- پیشین، س ۳۸، ش ۱۷، سه‌شنبه ۱۷ دی ۱۳۵۶، ص ۲.
- ۱۵۳- آمریکا در بند، ص ۱۷؛ نک: خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۱۲۸؛ چهره‌هایی در آئینه، ص ۲۵۰؛ آخرین سفر شاه، ص ۱۵.
- ۱۵۴- دیپلماسی ایران و تحولات تازه منطقه‌ای در خلیج فارس: تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها، دکتر رضا سیمبر، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، س ۱۹، ش ۷ و ۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۴، ص ۲۲.
- ۱۵۵- آمریکا در بند، ص ۱۷، چهره‌هایی در آئینه، ص ۲۵۰.
- ۱۵۶- خواندنیها، ش ۱۷، س ۳۸، سه‌شنبه ۱۷ دی ۱۳۵۶، ص ۱۶، تفسیر رادیو لندن.
- ۱۵۷- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۳.
- ۱۵۸- مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، دکتر منوچهر محمدی، تهران: نشر دادگستر، چ اول، پاییز ۱۳۷۷؛ نک: خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۱۳۲؛ ایران بین دو انقلاب، ص ۶۲۳، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۱۱.
- ۱۵۹- ۲۵ سال در کنار شاه، ص ۳۰۵.
- ۱۶۰- پیشین، صص ۳۰۴-۳۰۵.
- ۱۶۱- مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، صص ۱۳۲-۱۳۱.
- ۱۶۲- اسناد لانه جاسوسی، ج ۱، ص ۷۲.
- ۱۶۳- آخرین سفر شاه، ص ۱۵؛ نک: ایران بین دو انقلاب، ص ۶۲۴.
- ۱۶۴- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، صص ۳۱۵-۳۱۴؛ نک: ایران بین دو انقلاب، صص ۶۲۹-۶۲۷.
- ۱۶۵- پیشین، ص ۲۱۴.
- ۱۶۶- خواندنیها، س ۳۸، ش ۲۲، شنبه ۲۲ بهمن ۱۳۵۶، ص ۳.
- ۱۶۷- پیشین، س ۳۸، ش ۲۳، شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶، ص ۳.
- ۱۶۸- خاطرات دو سفیر (مقاله سایروس ونس)، صص ۴۶۷-۴۶۶.
- ۱۶۹- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، صص ۲۱۸-۲۱۷.
- ۱۷۰- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۱۷.
- ۱۷۱- پیشین، صص ۲۱۹-۲۱۸؛ نک: چهره‌هایی در آئینه، ص ۲۵۲؛ ایران بین دو انقلاب، ص ۶۳۴.
- ۱۷۲- چهره‌هایی در آئینه، ص ۲۵۳.
- ۱۷۳- پاسخ به تاریخ، ص ۳۲۲.
- ۱۷۴- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، صص ۲۲۰-۲۱۹؛ نک: ایران بین دو انقلاب، ص ۶۳۴؛ خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۱۵۴.
- ۱۷۵- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۱۵۰؛ نک: شکست شاهانه، ویلیام شوکراس، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر ذهن آویز، تهران، ۱۳۸۷، چ شانزدهم، ص ۱۵.
- ۱۷۶- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۲۰.
- ۱۷۷- ایران بین دو انقلاب، صص ۶۳۹-۶۳۸.
- ۱۷۸- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، صص ۲۲۲-۲۲۱.
- ۱۷۹- پیشین، ص ۲۲۴.
- ۱۸۰- پیشین.
- ۱۸۱- خاطرات دو سفیر (خاطرات جیمی کارتر)، ص ۴۵۱.
- ۱۸۲- ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۰؛ نک: شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۲۵.
- ۱۸۳- شکست شاهانه، ص ۲۱.
- ۱۸۴- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۲۵.
- ۱۸۵- پیشین، ص ۲۲۶؛ نک: ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۰.
- ۱۸۶- ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۰.

بررسی منشأ سیاست حقوق بشر کارتر و آثار آن در ایران

- ۱۸۷- پیشین. نک: شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۲۷؛ خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، صص ۱۷۰-۱۶۸؛ شکست شاهانه، ص ۲۹.
- ۱۸۸- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۲۷.
- ۱۸۹- ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۱؛ نک: شکست شاهانه، ص ۲۳.
- ۱۹۰- ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۶.
- ۱۹۱- تاریخ مستند روابط دو جانبه ایران و ایالات متحده آمریکا، یوناہ الکساندر - ال ن ناز، ترجمه: سعیده لطفیان و احمد صادقی، تهران: قومس، چ اول، ۱۳۷۸، ص ۶۶۷.
- ۱۹۲- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۳۲.
- ۱۹۳- پیشین.
- ۱۹۴- ۴۴۴ روز، ص ۱۵.
- ۱۹۵- ایران بین دو انقلاب، صص ۶۴۶-۶۴۷.
- ۱۹۶- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۳۲.
- ۱۹۷- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۲۰۹؛ نک: شکست شاهانه، ص ۲۹.
- ۱۹۸- شکست شاهانه، ص ۲۹.
- ۱۹۹- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۲۰۳؛ نک: تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، صص ۲۲۵-۲۱۳.
- ۲۰۰- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۲۲۰.
- ۲۰۱- ایران بین دو انقلاب، ص ۶۴۷.
- ۲۰۲- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۳۳.
- ۲۰۳- پیشین، ص ۲۳۴.
- ۲۰۴- پیشین.
- ۲۰۵- پیشین، صص ۲۳۴-۲۳۵.
- ۲۰۶- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۲۱۷.
- ۲۰۷- پیشین، ص ۲۰۹.
- ۲۰۸- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۴۳؛ نک: خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۲۲۲.
- ۲۰۹- تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، ج ۲، صص ۳۶۷-۳۵۱.
- ۲۱۰- خاطرات دو سفیر (خاطرات ویلیام سولیوان)، ص ۱۵۶.
- ۲۱۱- شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ص ۲۰۷.
- ۲۱۲- از کاخ شاه تا زندان اوین، احسان نراقی، مترجم: سعید آذری، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ چهارم، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸.
- ۲۱۳- پاسخ به تاریخ، صص ۳۱۹-۳۱۷.
- ۲۱۴- پاسخ به تاریخ، ص ۳.
- ۲۱۵- پاسخ به تاریخ، صص ۳۱۶-۳۱۵.
- ۲۱۶- شکست شاهانه، ص ۲۲.
- ۲۱۷- خاطرات شاهپور بختیار، طرح تاریخ شفاهی ایران، مرکز مطالعات خاورمیانه، دانشگاه هاروارد، ویراستار: حبیب لاجوردی، تهران: زیبا، چ اول، ۱۳۸۰، صص ۹۲-۹۰.
- ۲۱۸- خاطرات سیاسی دکتر کریم سنجابی، صص ۳۱۲-۳۱۱.
- ۲۱۹- در نخست خام، گفتگو با احسان نراقی، سیدابراهیم نبوی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چ پنجم، بهار ۱۳۷۱، ص ۷۹.
- ۲۲۰- پیشین، ص ۲۳۲.
- ۲۲۱- سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، صص ۴۶۴-۴۶۳.